

آنچه که در تحصیل و کنکور به آن نیاز دارید در...



Konkur home

www.1book.blog.ir

« جزوات ناب و برتر

« مجموع تست های طبقه بندی شده

« سوالات کنکور سراسری داخل و خارج کشور

« مصاحبه و کارنامه نمرات برتر کنکور

« خدمات دیگر...



وبسایت

فانه کنکور تجربی

نظراتتون موجب خوشحالی ما و هرچه بهتر شدن سایت می شود

اسماء غیر منصرف: این اسماء الف) هیچ وقت تنوین نمی گیرند.

ب) در حالت جر به جای کسر هفتحه می گیرند.

محلی: کلمات مبنی، جمله و شبه جمله.

کلمات مبنی: ضمیر، موصول، اشاره، استفهام، شرط، عدد مرکب.

جمله: جمله های اسمیه و فعلیه که نقش بگیرند.

شبه جمله: جار و مجرور و ظرف زمان و مکان.

تقدیری: اسم منقوص، مقصور و مضاف به یاء متکلم.

اسم منقوص: هادی ساعی. در دو حالت رفع و جر تقدیری است.

اسم منقوص در حالت نصب اعراب ظاهری دارد.

اسم مقصور: هدی، موسی. در هر سه حالت تقدیری است.

اسم مضاف به یاء متکلم: در هر سه حالت تقدیری است.

توجه: اسم منقوص اگر ال نگیرد و مضاف نشود تنوین کسر می گیرد.

الهادی: هادی. الساعی: ساع

توجه: اسم مقصور اگر ال نگیرد و مضاف نشود تنوین فتح می گیرد.

الهدی: هدی.

انواع ترکیب:

ترکیب اضافی، ترکیب وصفی.

ترکیب اضافی: دو اسم پشت سر هم می آیند .

اولی ال و تنوین ندارد، دومی بر اولی اضافه شده است.

اولی: مضاف (مضاف ال و تنوین نمی گیرد). -دومی: مضاف الیه.

توجه: اسم مثنی و جمع اگر مضاف واقع شوند نون آنها حذف می شود.

ترکیب وصفی: دو اسم پشت سر هم می آیند.

از جهت اعراب، معرفه/نکره، عدد و جنس یکسان هستند.

جمله وصفیه: بعد از اسم نکره، جمله ای می آید و آن را وصفی کند.

توجه: در عربی مضاف الیه بر صفت مقدم است و بین موصوف و صف می آید.

اعراب فعل مضارع:

مرفوع، منصوب و مجزوم.

مرفوع: اصلی و فرعی

اصلی: **ضمه**. فرعی: **ثبوت نون**.

منصوب: اصلی و فرعی

اصلی: **فتحه**. فرعی: **حذف نون**.

ادات نصب: **آن، آن، کی، حتی، لی، لکی**

مجزوم: اصلی و فرعی

اصلی: **سکون**. فرعی: **حذف نون**.

ادات جزم: اداتی که **یک فعل/ دو فعل** را مجزوم می کنند.

جازمه یک فعل: **لا نهی، ل امر غائب و متکلم، لم، لماً**.

جازمه دو فعل: **ان، من، ما، اینما، مهما، متی**.

اعداد:

اعداد ترتیبی، اعداد شمارشی.

اعداد ترتیبی: **بر وزن فاعل** هستند. نقش **صفت** اسم را دارند.

اعدا شمارشی: **۱ و ۲ تا ۱۰** و **۱۱ و ۱۲**

۱ و ۲: **تابع** اسم هستند، معمولاً نقش **صفت** را دارند.

۱۰ تا ۱۳: از جهت جنس، برعکس معدود خود هستند، معدود آنها جمع و مجرور است.

۱۱ و ۱۲: از جهت جنس، با

معدود خود یکسان هستند، معدود آنها مفرد و منصوب است.

معلوم و مجهول

جمله معلوم: فاعل آن مشخص است.

جمله مجهول: فاعل آن نامشخص است.

حرکت فعل مجهول در ماضی و مضارع.

ماضی: **فُعِلَ** (عین الفعل کسره، هر چه قبل از آن است ضمه).

مضارع: **يُفَعَلُ** (عین الفعل فتحه، حروف مضارعه ضمه).

توجه: در تبدیل فعل مجهول به معلوم نباید زمان فعل تغییر کند.

نواسخ:

حروف مشبهة بالفعل، لا نفی جنس، افعال ناقصه، افعال مقاربه.

حروف مشبهة بالفعل: إنَّ، آنَّ، لكنَّ، كانَّ، ليت، لعلَّ.

اسم حروف مشبهة بالفعل: منصوب.

خبر حروف مشبهة بالفعل: مرفوع.

اگر بعد از این حروف مای کافه بیاید مبتدا و خبر داریم.

لا نفی جنس: لا+(اسم)

اسم لا نفی جنس: مبنی علی الفتح محلاً منصوب.

خبر لا نفی جنس: مرفوع.

اسم لا نفی جنس: ال نمی گیرد، تنوین نمی گیرد، مضاف نمی شود.

خبر لا نفی جنس: مقدم نمی شود.

افعال ناقصه: کان، مازال، صار، لیس، اصبح، مادام.

اسم افعال ناقصه: مرفوع.

خبر افعال ناقصه: منصوب.

اگر بعد از افعال ناقصه یک اسم باشد آن اسم خبر آنها است.

افعال مقاربه (رشته انسانی): عسی، کاد، اوشک، جعل، اخذ، شرع، بدا.

اسم افعال مقاربه: مرفوع.

خبر افعال مقاربه: منصوب محلاً.

خبر افعال مقاربه حتماً باید فعل مضارع باشد.

صحیح و معتل:

صحیح: فعلی که در آن حروف علّه (وای) به کار نرفته باشد.

معتل: فعلی که در آن حروف علّه (وای) به کار رفته باشد.

انواع فعل صحیح: سالم، مضاعف، مهموز.

صحیح و مضاعف: یکی از حروف اصلی آن تکرار شده باشد.

صحیح و مهموز: یکی از حروف اصلی آن همزه باشد.

صحیح و سالم: جزء دو دسته مضاعف و مهموز و افعال معتل نباشد.

انواع فعل معتل: مثال، اجوف، ناقص، لفیف.

مثال: حرف اول آن (فاء الفعل) حرف علّه باشد.

اجوف: حرف دوم آن (عین الفعل) حرف علّه باشد.

ناقص: حرف سوم آن (لام الفعل) حرف علّه باشد.

لفیف: در آن دو حرف علّه وجود داشته باشد.

انواع فعل لفیف: لفیف مقرون، لفیف مفروق.

لغيف مقرون: دو حرف **عَلَّه** به هم چسبیده هستند. (عين الفعل ولام الفعل)

لغيف مفروق: دو حرف **عَلَّه** از هم جدا هستند. (فاء الفعل و لام الفعل)

مفعول مطلق:

مصدر، منصوب، برای تاکید انجام فعل، چگونگی انجام فعل، تعداد دفعات انجام فعل.

انواع مفعول مطلق: تاکیدی، نوعی (بیانی)، عددی، محذوف الفعل.

مفعول مطلق تاکیدی: برای **تاکید** انجام فعل.

اگر مفعول مطلق **صفت** یا **مضاف الیه نداشته** باشد، **تاکید** است.

مفعول مطلق نوعی (بیانی): برای بیان **چگونگی** انجام فعل.

اگر مفعول مطلق **صفت** یا **مضاف الیه داشته** باشد، نوعی (بیانی) است.

مفعول مطلق عددی: برای بیان **تعداد دفعات** انجام فعل.

در ثلاثی مجرد بر وزن «فَعْلَةٌ» و دز ثلاثی مزید «مصدر+ة» است.

مفعول مطلق محذوف الفعل: **عامل** مفعول مطلق محذوف است.

مثال: کلماتی مانند:

«شکراً، صبراً، جدّاً، ايضاً، حقّاً، سبحان الله، معاذ الله، سمعاً و طاعةً، مهلاً و...»

نکته: **مصدر منصوب اول جمله مفعول مطلق** است.

مفعول فیه:

زمان یا مکان وقوع فعل.

مفعول فیه متضمن معنی «فی» است.

مثال های ظرف زمان:

«یوماً، لیلاً، نهاراً، عصرآ، عشاء، لحظة، ابدأ، غداً و...»

مثال های ظرف مکان:

«فوق، تحت، وراء، بین، امام، عند؛ خلف، مقابل و...»

این کلمات نباید نقش های دیگری در جمله داشته باشند.

حال:

حالت و چگونگی فاعل، مفعول به یا نائب فاعل را بیان می کند.

انواع حال: حال مفرد، حال جمله.

حال مفرد: اسم، مشتق، نکره، منصوب که حالت فاعل و... را بیان می کند.

حال جمله: جمله ای (اسمیه و فعلیه) است که حالت فاعل و... را بیان می کند.

حال جمله اسمیه: **و+مبتدا+خبر**.

حال جمله فعلیه: معمولاً **فعل مضارع** است.

به فاعل، مفعول به و نائب فاعل که **حالت آنها بیان می شود**، **ذوالحال** می گویند.

ذوالحال (صاحب حال) اسمی **معرفه** است.

(چون اگر نکره باشد به جای حال صفت داریم)

حال با صاحب خود از نظر «**جنس و عد**» **مطابقت** می کند.

تمییز:

اسم، جامد، نکره، منصوب، ابهام را از جمله یا کلمه **بر طرف** می کند.

انواع **تمییز**: تمییز نسبت (جمله)، تمییز مفرد (ذات)

تمییز نسبت (جمله):

مبتدا، **مفعول به** یا **فاعل** از جای خود برداشته شده و **در آخر جمله** قرار گرفته اند.

اصل **تمییز**:

اگر جمله **اسمیه** باشد، تمییز در اصل **مبتدا** بوده است.

اگر جمله **فعلیه** و فعل جمله **لازم** باشد، تمییز در اصل **فاعل** بوده است.

اگر جمله **فعلیه** و فعل جمله **متعدی** باشد، تمییز در اصل **مفعول به** بوده است

باید این نکته را بدانید که تمییز در اصل **مضاف یک مضاف الیه** بوده است.

تمییز مفرد(ذات):

اسم های بعد از **وزن**، **پیمانه**، **مساحت** و **عدد**.

توجه: بعضی از **فعل** ها هستند که **مبهم** هستند و نیاز به تمییز دارند.

«ازداد، امتلاً، تفتّح، طاب، حسن، کثر، ارتفع، جفّ و...»

مستثنی:

خارج شدن اسمی از حکم کلی آن.

اسلوب استثناء: **مستثنی منه** + **ادات استثناء** + **مستثنی**.

انواع **مستثنی**: تام، مفرغ

مستثنی تام: **مستثنی منه** در جمله **می آید**.

مستثنی مفرغ: **مستثنی منه** در جمله **نمی آید**.

نکات تشخیص نوع مستثنی:

اگر **فعل** جمله **مثبت** باشد **مستثنی** قطعاً **تام** است.

(ولی **نمی** توان گفت اگر منفی باشد مفرغ است.)

اگر قبل از **اَلَّا** کلماتی مانند «**کل ، شئی ، احد ، جمیع**» آمده باشد قطعاً **تام** است.

اگر در **پایان جمله** ضمیر های جمع «**هم هنّ کم کنّ نا**» آمده باشد **تام** است.

توجه:

مستثنی **تام** همیشه **منصوب** است ، **مفرغ** گاهی **منصوب** و گاهی **مرفوع**.

پس اگر بعد از **اَلَّا** اسم **مرفوع** آمد، مستثنی قطعاً **مفرغ** است.

نکته کاربردی دیگر: اگر این موارد نبود **اَلَّا** را از جمله **بردارید**.

با برداشتن **اَلَّا** از جمله:

اگر جمله خوب **معنی شد: مفرغ**

اگر جمله درست **معنی نشد: تام**

منادی:

اسمی است که **بعد از حرف ندا** می آید و **مورد ندا** قرار می گیرد.

انواع منادی: مفرد(علم و نکره مقصوده)، مضاف و شبه مضاف.

منادی مفرد: یک **اسم** است. دارای دو نوع «**علم و نکره مقصوده**» است.

منادی مفرد: **مبنی علی الضّم محلاً منصوب**.

توجه: اسم **ال دار** فقط با «**ایّها** (مذکر) و **ایّتها** (مونث)» منادی می شود.

منادی در این نوع کلمه «**ایّ** و **ایّة**» است.

اسم بعد از **ایّها** و **ایّتها** :

اگر **مشتق وصفی** باشد: **صفت**.

اگر **مشتق غیر وصفی** و یا **جامد** باشد: **عطف بیان**.

منادی مضاف: **اسمی** است که **مورد ندا** قرار گرفته است و **مضاف** شده است.

منادی مضاف: **منصوب**.

اگر **مضاف الیه** آن «**ضمیری متکلم**» باشد ممکن است **ضمیر حذف** شود.

در این صورت به جای «**ی**» علامت **کسره** قرار می دهند.

یا **ربّ** که در اصل یا **ربی** بوده است.

ربّ: منادی مضاف و منصوب تقدیراً.

منادی شبه مضاف: **معنی آن** با کلمه بعد از خودش کامل می شود.

منادی شبه مضاف: **منصوب**.